

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
اللهم صل على محمد و آل محمد

## کارگاه مقدمات تدبیر

۹۷/۱۲/۴

ساعت اول

مقدمات تدبیر یکی از پنج کتاب دوره عمومی تدبیر است. تدبیر دارای سه دوره عمومی، تخصصی و تکمیلی می‌باشد. در دوره عمومی پنج کتاب مطالعه می‌شود که هر کدام دارای روش‌هایی هستند. هر کدام از این کتاب‌ها در واقع پنج رویکرد متفاوت در مراجعه به سوره‌های قرآن هستند. دانستن این نکته منجر می‌شود که نحوه مراجعه به این کتاب‌ها متفاوت شود. مطالعه کل قرآن با مدل مقدمات با مدل تفکر یا مدل سوره‌ای و .... در دوره تخصصی رویکرد جدیدی اضافه نمی‌شود و نوعاً از آنچه در دوره عمومی مورد مطالعه قرار می‌گیرد استفاده می‌شود. در دوره تخصصی از این پنج رویکرد استفاده می‌شود جهت مطالعه تخصصی قرآن.

در هر کدام از این کتاب‌ها توجه به رویکرد آن اهمیت دارد.

رویکرد مقدمات تدبیر خیلی مهم است و تأثیر زیادی در مواجهه با مخاطب دارد. در سند مجمع مدارس رویکردهایی برای کتاب‌ها نوشته شده است. این سند مربوط به اسفند ۹۲ می‌باشد و نیاز است مسائل بنیادی که در آن مطرح شده است مورد توجه قرار گیرد.

در بحث تدبیر سیر تدبیری دارای اهمیت است. شیوه‌های تدبیری و مطالعه قرآن در آن مورد بررسی قرار گرفته است و یکی از موضوعاتی که در آن مطرح شده است سطوح انس با قرآن و سطوح طهارت می‌باشد. این موارد باید با روش‌هایی که در سیر تدبیری آموخته می‌شود مورد توجه قرار گیرند.

یکی از اصلی‌ترین مشکلات افراد که به غایت تدبیر نمی‌رسند عدم توجه به انس و طهارت است. کسی که این دوره‌ها را طی می‌کند باید به این دو موضوع توجه باشد:

۱. توجه به رویکرد هر کتاب در مواجهه با قرآن

۲. توجه به انس و طهارت

که عدم توجه به این دو مورد منجر به عدم دستیابی به موفقیت در بحث تدبیر خواهد شد.

در مورد انس و طهارت پنج سطح معرفی شده است.

با خواندن مقدمات تدبیر باید به سطحی از انس رسید که خواندن قرآن برای فرد بدون تکلف باشد. یعنی احساس سختی در حین مطالعه قرآن نداشته باشد.

در سطح دوم باید این خواندن همراه با لذت باشد

در سطوح بعدی باید خود را نیازمند دائمی قرآن بدانند و تصور جدایی از آن را نداشته باشد و باید در نهایت احساس وابستگی شدید به قرآن در او ایجاد شود. برای این سه سطح هم شاخص کمی قرار داده شده است. نیازمند دائمی دانستن یعنی هر روز به طور منظم قرآن می‌خواند روزی مثلاً نیم ساعت.

در سطح بعدی که نتواند تصور جدایی از قرآن داشته باشد یعنی احساس به خواندن در او بیشتر شده و تا یک ساعت در روز را به قرآن خواندن اختصاص می‌دهد.

در سطح پنجم که فرد خود را به طور کامل وابسته به قرآن می‌داند روزانه بیش از یک ساعت برای قرآن وقت صرف می‌کند. و دارای کشش و تمایل فراوانی برای این کار است.

پنج سطح برای طهارت هم تعریف شده است:

۱. شناسایی عیوب و نواقص و گناهانی که عموماً افراد در جامعه به آن مبتلا هستند در خود و سعی در برطرف کردن آن.

۲. شناسایی عیوب و نواقص در خود که در جامعه خیلی به آن توجه نمی‌شود و سعی در برطرف کردن آنها

۳. برطرف شدن عیوبی که در سطح یک شناسایی کرده بود.

۴. برطرف شدن عیوبی که در سطح دوم آنها را شناسایی کرده بود.

۵. کنترل خیال و ایجاد مراقبت ویژه در تخیلات و خطورات

اگر افراد این موارد را خودشان ایجاد نکرده باشند نمی‌توانند در آینده از تدبیر استفاده کنند.

غایت مقدمات تدبیر

انس و طهارت دو موردی است که گفته شد. طهارت به صورت خاص‌تر در این دوره مطرح می‌شود. غایت علمی و غایت طهارتی در این دوره مطرح می‌شود. غایت علمی در این دوره این نیست که افراد بتوانند گزاره‌نویسی کنند. در حد کلی با مفهوم تدبیر آشنا شده باشند و در مواجهه با گزاره‌های مختلف تشخیص اینکه گزاره از کدام نوع است را داشته باشند، تفکری، تعقلی، تدبیری. در درس دوم و سوم کتاب این موضوع مطرح می‌شود.

در مواجهه با مخاطب داشتن تصویر درست از تفکر و تعقل و انتقال آن به مخاطب مهم است. غایت علمی این دوره تشخیص گزاره‌های تعقلی و تدبیری و تفکری است.

اساسی‌ترین تفاوت این مجموعه با سایر مجموعه‌ها تعریف تدبیری است که در آن ارائه شده است.

تعریف تدبیر خیلی نزدیک به عمل است نه علم. در کتاب تدبیر چیستی، چرایی و چگونگی به این تعریف پرداخته شده است و در کتاب مقدمات تدبیر در درس سوم تعریفی خلاصه از تدبیر ارائه شده است.

درس دوم و سوم کتاب مقدمات تدبیر را نگاه اجمالی می‌کنیم:

## درس دوم

### برخی از روش‌های مطالعه و فهم قرآن

برای فهم شیوه‌های مطالعه قرآن لازم است به شیوه دریافت‌های علمی و معنوی در انسان واقف شد؛ زیرا قرآن به عنوان خزان علم و قدرت، به وسیله پیامبر در اختیار انسان قرار گرفته تا با قوا و نیروهایی که خداوند به او عطا کرده از این منبع بی‌بدیل در جهت رشد و فلاح خود و جامعه‌اش بهره‌مند شود.

لذا این انسان است که با دو ساحت فردی و اجتماعی و با قوا و نیروهایی در خدمت قرآن قرار می‌گیرد و لازم است متناسب با توان خود و تکلیفی که برای او شده از آن بهره‌مند شود. هر چه شناخت انسان نسبت به خود، جامعه، هستی و هستی‌آفرین بیشتر شود و از عمل و طهارت حظ و بهره بیشتری داشته باشد، از قرآن نیز بهره فزون‌تری دارد.

سرّ تنوع استفاده از قرآن و بهره‌مندی بیشتر برخی نسبت به برخی، در همین موضوع است. بدین ترتیب اگر کسی از تجربه زندگی بیشتری برخوردار باشد و نیز قدرت تحلیل وقایع و حوادث را داشته باشد به شرط طهارت، توان فهم بیشتری نسبت به قرآن پیدا می‌کند.

طهارت عمل به دانسته‌هاست.

فعال شدن تفکر و تعقل در انسان و تقویت و سرعت بخشیدن در عمل خیر، رمز فهم قرآن است؛ زیرا در این صورت است که فرد و جامعه با مسائل و نیازهای جدیدی روبه‌رو شده، پاسخ آن را در قرآن دریافت می‌دارد. بنابراین فعال کردن دو رکن ادراک و عمل در زندگی به طور مستقیم در فهم قرآن برای فرد اثر می‌گذارد.

فهم قرآن بخشی از تدبیر است. و این موضوع خیلی مهمی است. تدبیر در قرآن روش فهم قرآن نیست بلکه فهم قرآن بخشی از تدبیر در قرآن است.

فعال‌سازی ادراک و عمل در تدبیر همزمان با هم باید اتفاق بیفتند. وقتی سطح فهم از قرآن افزایش می‌یابد متناسب با آن باید عمل نیز تغییر کند و در این صورت فهم‌های بیشتر حاصل می‌شود. دریافت‌های اولیه در قرآن باید همراه با عمل شود و در غیر اینصورت فهم‌های بعدی محقق نمی‌شود.

لازم به ذکر است افزایش علم بدون افزایش عمل، موجب کندی در مسیر پیشرفت و نقص حرکت و فهم قرآن می‌شود. به همین دلیل نیز روش‌های مطالعه و فهم قرآن بر دو رکن فوق استوار است و بر اساس نوع استفاده انسان از قرآن انواع روش‌ها به وجود می‌آید.

دو رکن ادراک و عمل منظور است.

**الف. روش‌های مطالعه قرآن از نظر شیوه تجزیه و تحلیل و عمل (با توجه به ادراک و عمل)**

ب. روش‌های مطالعه از جهت ساختار خواندن

ج. روش‌های مطالعه قرآن از نظر قالب مطالعه (با توجه به امکان‌های مختلف قرائت)

**الف. روش‌های مطالعه قرآن با توجه به ادراک و عمل**

برای روش اول سوره مبارکه قارعه انتخاب شده است. در این روش چهار سطح تعریف می‌شود: انس، تفکر، تعقل، تدبیر

**انس با آیات و سوره‌ها**

**تعقل در واژه‌ها، آیات و سوره‌ها**

**تفکر در سوره‌ها، آیات و واژه‌های قرآن**

**تدبیر در واژه‌ها، آیات و سوره‌ها**

انس:

انس با چیزی به معنای دور شدن حالت دوری و کراهت است. در این حالت برای انسان همراه و قرین بودن با مأنوس خود بسیار مطلوب است. انس در اثر همجواری، هم‌افقی، هم‌جهتی و هم‌راستایی به وجود می‌آید. تکرار مطالعه و رفت و برگشت بر روی مطلبی می‌تواند منجر به انس شود.

تفکر:

شیوه تفکر را مرحله بندی کرده است:

■ مرحله اول: موضوعاتی که در سوره از آن سخن رانده شده است.

■ مرحله دوم: عناصر هر موضوع را به تفکیک، بیان و تصویر سازی کنید.

■ مرحله سوم: ارتباط بین موضوعات با هم

■ مرحله چهارم: گزاره‌هایی منطقی از سوره

در کتاب این چهار مرحله را برای سوره مبارکه قارعه توضیح داده است.

تصویری که از تدبر در قرآن در ذهن شکل می‌گیرد در واقع تا مرحله تفکر در قرآن است. همه ویژگی‌های مربوط به روش و شناخت و آنچه مربوط به ادراک است در حوزه تفکر هستند.

تفکر در قرآن به معنای دقت در مضامین لغات، آیات و سوره‌های قرآن برای فهم معانی و کشف روابط بین آنها و دریافت حقیقت از لایه لای متن و ظاهر آنست. در این راستا لازم است فرد با قوای تصویرگری خود و نیز با قوه استدلال و استنتاجش، مطالب را در صحیفه جان خود حاضر کند و از رهگذر این تصور، استدلال، چیدمان و رابطه‌گیری به پیام‌های جدید دست یابد. فردی که در قرآن تفکر می‌کند در نظر دارد تا از هر داستان، مثل، امر و نهی و ... رابطه‌ای را کشف نموده و حقیقتی از این عالم را دریافت کند. بنابراین اگر این قوه تفکر از انسان سلب شود امکان ارتباط دهی مطالب و فهم پیام‌ها و ارتباط با ملکوت و غیب عالم برای او محقق نخواهد بود.<sup>۱</sup>

این تفکر مقدمه است و اگر نباشد بقیه مراحل محقق نمی‌شود. فاز بعدی تعقل در قرآن است:

بهره‌مندی از تفکر زمینه شکوفایی عقل را در محضر قرآن فراهم می‌سازد به این ترتیب که پیام‌هایی که از قرآن استنباط می‌شود، پیام‌هایی حقیقی است. این پیام‌ها همان گزاره‌هایی هستند که برای تعقل در زندگی در هر کاری باید مبنا قرار بگیرد. بنابراین با تعقل در آیات، گزاره‌های حقیقی قابل استناد برای هر باور، عمل و عکس‌العملی به دست می‌آید و بدین ترتیب فرد می‌تواند از این رویکرد، قرآن را در مهم‌ترین میزان و ملاک زندگی‌اش، یعنی عقل، وارد و جاری کند.

عقل قوه‌ای است که دریافت‌های انسان را مورد سنجش قرار می‌دهد یا قوه‌ای است که قوانین در آنجا ست و برای درستی دریافت‌ها به آن رجوع می‌شود. تعقل نگاه کل‌نگر قانون‌مند است.

تفکر در قرآن به دلیل استنباط پیام‌های حقیقی از قرآن عقل را شکوفا می‌کند. گزاره‌های قرآن اگر درست استخراج شود پیام‌های حقیقی هستند و برای هر کاری در زندگی باید مبنا قرار بگیرد. تعقل و تفکر یک چیز است در دو مرتبه. در تفکر بدنبال فهم این هستیم که قرآن چه می‌گوید و در تعقل به دنبال این هستیم که چگونه آن گزاره‌ها را اجرا کنیم.

فردی که تعقل می‌کند در صدد یافتن گزاره‌های حقیقی قابل استناد است و با توجه به آیات نورانی می‌تواند به حقایقی ثابت از آفرینش دست یابد. این حقایق مبنای زندگی حقیقی او در دنیا و آخرت خواهد بود.

طبیعی است در بیان کلامی (در متن عبارات) گزاره‌های عقلی مشابه گزاره‌های تفکری بیان می‌شوند ولی در بیان حقیقی (در عمل انسان)، این گزاره‌ها مورد اسناد عمل و باور فرد، واقع می‌شوند. لذا در واقع هر گاه گفته می‌شود تعقل انجام شده، ناظر به بیان حقیقی است و بیان کلامی تنها به عنوان نشانه علمی برای تعقل است.

روش همان چیزی است که در تفکر اجرا شده است ولی در تعقل به دنبال یک گزاره حقیقی برای مبنای عمل شدن می‌گردیم.

این مطالب را باید در ساختار وجودی مورد بررسی قرار داد.

با پیام الهی مواجه هستیم و می‌خواهیم مسیر از مراجعه تا به عمل در آوردن آن را طی کنیم و این تدبر است. در ابتدا انس و بعد تفکر برای فهم و بعد تبدیل به عمل شود. در سیر زندگی من چه قواعدی را برای من ایجاد می‌کند و این تعقل است. تدبر سیری است در ساختار وجودی انسان که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

در تعقل، فرد به مرحله‌ای پا می‌گذارد که لازم است با حقایق یک سوره مبارکه به قدری انس بگیرد که همیشه پیش روی او باشد.

تدبر :

تدبر به معنای توجه به عاقبت چیزی است. تدبر در قرآن به معنای توجه به عاقبت در نظر گرفته شده برای کلمات، آیات و مضامین سوره است.

در یک کلام مختصر، تدبر در قرآن به معنای اینست که انسان عاقبت کلام وحی را متناسب با ظرف خود متوجه شده و در راستای آن عاقبت قرار گیرد. مهم است که انسان بداند خداوند از او چه خواسته است. لذا در این بررسی لازم است عاقبتی که خداوند برای بنده در نظر گرفته است را متوجه شود. حال ممکن است عاقبت مضمون و غرض کل سوره یا آیه‌ای خاص و یا یک کلمه باشد.

برای این منظور جریان افق دید و برنامه‌ریزی برای عمل و اصلاح نیز در ساحت تدبر وارد می‌شود.

در سوره قارعه یک نکته‌ای در این بخش دارد که خیلی مهم است.

در ابتدای بحث گفته شد، پنج رویکرد کلی برای مراجعه به قرآن وجود دارد. رویکرد مقدمات تدبر و آموختن آن مهم است. رویکرد مقدمات تدبر این است که در مواجهه با یک سوره ببینم خداوند از من چه می‌خواهد و من آن کار را انجام دهم. خدایا تو این سوره را نازل کرده‌ای از من که یک انسان هستم چه می‌خواهی با این سوره؟

در این رویکرد انسان به عنوان یک موجود نیازمند به سوره مراجعه می‌کند و نه یک محقق. این فرد به دنبال چاره‌ای برای زندگی خود است و این برای مخاطب باید مشخص شود.

غایت طهارتی این رویکرد این است که شناسایی گناهمانی که در جامعه وجود دارد شناسایی شود و هر سوره‌ای که خوانده می‌شود به یکی از این گناهان رایج در جامعه می‌پردازد. به برکت آن سوره در خود طهارت مختص سوره را ایجاد کنم. به برکت سوره فلق حسادت را در خود از بین باید برد. در سوره فلق می‌گوید که فرد باید رب را بشناسد و مقصد را رب تعیین می‌کند و برای اینکه افراد این سیر را طی کنند و به مقصدشان برسند فلق قرار داده است. مقصد را خدا تعیین می‌کند و باید به آن مقصدی که خدا تعیین می‌کند برسیم. برای این رسیدن باید به نشانه‌ها و مراحل توجه کنم و باید به رب آنها پناه برد. از شرهای مختلفی که ذکر شده است شر حسد خیلی معلوم است و در این مرحله نجات از حسد را غایت قرار می‌دهیم. حسودی را شناسایی کنم و شروع کنم به از بین بردن آن در خودم. در سوره ناس بحث تأخیر و وسواس خناس مطرح می‌شود و این را باید شناسایی کنم. خیر گزین شدن از غایات این سوره است.

در سوره نصر به دنبال ایجاد نگاه اجتماعی هستیم. خطاب به پیامبر است و می‌گوید وقتی نصر آمد و فتح اتفاق افتاد همه وارد دین می‌شوند. با توجه به اینکه خدا همواره تواب بوده و هست تو همیشه تسبیح و استغفار کن. توجه به نقش اجتماعی و فهم این نکته که فقط من نیستم که باید رشد کنم. یک جامعه و یک امت است که باید رشد کند. ناسی هستند که باید ذیل دین خدا رشد کنند. پیامبر برای رشد این امت مسئله دارد. در سوره نصر باید انسان یاد بگیرد که ما ناسی هستیم که داخل در سوره شده‌ایم و پیامبر در مورد ما دستوری را دریافت کرده است و من باید به پیامبر کمک کنم و تسبیح و استغفار داشته باشم و همان کار را انجام می‌دهم ولی مهم است که انسان این را بفهمد که این امر به رسول است.

در سوره ماعون؛ فرد دیندار به دیگران بیشتر توجه دارد و فرد تکذیب کننده دین به دیگران توجهی ندارد. فردیت انسان و وری از سهو در نماز وابسته به نگاه اجتماعی است. طهارت این سوره است که فرد نمازش را با نیازهای دیگران همراستا کند. این هم در سوره ماعون اتفاق می‌افتد.

در سوره همزه؛ انسان حق ندارد در مورد دیگران قضاوت کند. انسان حق ندارد روی داشته‌هایش حساب کند. وقتی فرد خود را فقیر ببیند عیب‌جویی از دیگران از بین می‌رود.

در سوره مبارکه زلزله؛ فرد می‌آموزد که به سنگینی یک ذره کار خیر کند می‌بیند و به اندازه یک ذره کار شر کند می‌بیند. ذره‌ها موضوعیت دارد. ذره یعنی غبار. زمینی که بر روی آن راه می‌روی تمام ذره‌ها را در خود ثبت می‌کند. این سوره انسان را متوجه ذره‌ها و زمین می‌کند.



در سوره مبارکه ضحی؛ فرد متوجه عظمت پیامبر می شود، پیامبر که یتیم و ضال و عائل است را می فهمد و همیشه حسش و وجدانش نسبت به خودش این است که بدون هدایت خدا هیچ چیزی ندارد. خود را بدون خود گمراه می داند و پیامبر به عنوان یک طرف خالی از هدایت خدا بهره مند است. رسول همیشه بهترین سرپرست ها را داشته است. این یتیمی در واقع حس نیاز به سرپرست داشتن است. بدون خدا خود را یتیم و نیازمند و فقیر می داند. فقر و غنی ایی که بواسطه فهم فقر در پیامبر اتفاق افتاده است و به این دلیل پیامبر را واسطه فیض قرار داده است.

در سوره انشراح هم ویژگی های خاص پیامبر را مطرح می کند. ویژگی هایی که خداوند به پیامبرش داده است برای نبوتش. در سوره ضحی متوجه رابطه خود با پیامبر می شویم و در سوره انشراح متوجه ان مع عسر یسری مطرح می شود. هر آسانی با سختی همراه است. در سختی آسانی هست. این موارد مبتلا به افراد است. در زندگی نوع افراد بیکاری مطرح است ولی سوره انشراح اصل را بر کار داشتن قرار می دهد.

در سوره عبس؛ آدم حسابی آدم مدعی نیست. آدم کار بلد کسی نیست که احساس استغنا و استقلال داشته باشد. احساس بی نیازی در کار و ادعای زیاد داشتن و متکی به خود بودن یک نقص است و خشیت داشتن و نگران بودن در اینکه نکند آنچه را خدا می خواهد نشود و برای این نگرانی تلاش داشته باشد. آدم ها متنوع هستند و مهم داشتن ذکر است.

در مقدمات تدبر به غایت این طهارت ها مهم می شود نه اینکه یاد بگیرند که قران را مهندسی را کنند. همیشه سوره ها به ما مسلط هستند و در نهایت انسان غواص در قران می شود، نه اینکه به سوره ای کسی بتواند احاطه پیدا کند.

این نه سوره نه تغییر رویکرد در زندگی انسان می شود.

- چرا خداوند این سوره را نازل کرد؟
- آیات نورانی آن، دارای چه پیام مهم و اساسی برای انسان و جامعه اوست؟
- آیا حق این سوره دارای مصداق بیرونی نیز هست؟ آیا این مصداق بیرونی همان ولایت نیست؟
- چگونه این سوره می تواند انسان را با ولی حق، ولایت الله مرتبط و از ولایت طاغوت رها سازد؟

اگر با این رویکرد به کتاب نگاه شود این سوال ها که در ذیل سوره مبارکه قارعه در کتاب آمده است مورد توجه قرار می گیرد. حالا با هر آیه ای می توان زندگی کرد. قارعه چیست؟ برای فهم قارعه باید به سراغ بقیه سوره رفت. روزی که مردم مثل پشه های پراکنده می شوند. با رویکرد مقدمات تدبر اگر این مطالب خوانده شود فرد حداقل آرامش یکی دو شبش را از دست می دهد. کوه ها مثل پشم رنگی رنگی در آسمان پراکنده می شوند. اگر خود را در این صحنه مجسم کنید و این اتفاق خواهد افتاد و شما در آن هستید. اما کسی که موازینش یا ترازوهایش سنگین شد و هو فی عیشه راضیه. این فرد در یک

زندگی رضایت بخش است. ولی اگر کسی ترازوهایش سبک باشد، امّ او هاویه خواهد بود. آتشی داغ ام یعنی اصل و ریشه که در اینجا تمایلات پستی داشته که به آنها باز می‌گردد.

فهم اینکه موازین چیست از خود قران محقق می‌شود. برای فهم موازین اگر در فرد نیاز ایجاد شده باشد خود را نیازمند ولی می‌بیند. اگر کسی سوره را با رویکرد درست بخواند سوالاتش به سمت عملی می‌رود نه تئوری.

در تدبیر علاوه بر اینکه فرد به گزاره‌هایی حقیقی دست می‌یابد، چاره‌اندیشی و تدبیر نیز در او فعال شده و در صدد یافتن مصداق‌های واقعی برای آن گزاره‌های حقیقی برمی‌آید و برای عملی کردن خواست خدا که در قالب غرض سوره به آن می‌رسد مترصد برنامه و برنامه‌ریزی می‌شود.

غرض سوره مبارکه از مهم‌ترین پیام‌های سوره در تدبیر است که باید به آن توجه شود لذا در تدبیر نوعی کل‌نگری نسبت به سوره نیز وجود دارد.

اصل تدبیر رسیدن به چاره‌اندیشی است.

غرض سوره مبارکه قارعه را می‌توان «انذار انسان و جامعه به وسیله یادآوری قیامت به وجه عظمت و بیان میزان محاسبه آن» ارائه کرد.

## ساعت دوم

در ادامه این به فصل به بیان انواع خواندن می‌پردازد که قصد ورود به آن را نداریم. بحث قرائت و ترتیل و تلاوت مطرح شده است. قرائت قران یعنی فهمیدن قران و به واسطه آن فهم ارتقاء پیدا کردن. قرائت بدون فهم معنا ندارد. قرائت قران یعنی فهم آیات و ارتقاء به واسطه آن حرف. در قرائت قران فرد باید خود را در سوره قرار دهد. ترتیل قران یعنی در خواندن قران به چینش توجه کند و زیبایی را ببیند.

## ترتیل

«ترتیل قرآن به معنای تلاوت آن است به نحوی که حروف پشت سر هم آن، روشن و جدای از هم به گوش شنونده برسد. در الدر المنثور است که عسکری در کتاب مواعظ از امام علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند معنای «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» چیست؟ فرمود: حروفش را واضح بگویی و چون خواندن شعر، صدای خود را ترجیع ندهی. نه مانند بحر طویل یکسره باشد و نه مانند شعر پاره پاره، وقتی به عجایبش برمی‌خوری در آنجا بایستی، (و با تکرار آن) دل را به حرکت درآوری، و زنه‌ها! همتتان این نباشد که زودتر به آخر سوره برسید. از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: ترتیل آن است که در آن مکث کنی و صوتت را نیکو گردانی.»<sup>۳</sup>

تلاوت یعنی چیزی در جلو قرار بگیرد و شما پشت سر آن راه بروید. تلاوت آیات یعنی پیروی از آیات.

## تلاوت

هرگاه فرد مفاهیم و پیام‌های قرآن را در پیش روی خود قرار دهد و زندگی و باورهای خود را با آن منطبق کند در این صورت قرآن را تلاوت کرده است؛ زیرا تلاوت به معنای اینست که فرد چیزی را در روبه‌روی خود قرار داده و از آن تبعیت کند. بدین ترتیب مقام تلاوت کاملاً کاربردی و در مقام عمل و پس از علم، تحقق می‌یابد.

## ج. روش‌های مطالعه قرآن از نظر قالب مطالعه (با توجه به امکان‌های مختلف قرائت)

نکته بعدی در مقدمات که باید به مخاطب آموزش داد بحث قالب‌های مطالعه است و در مقدمات باید افراد به برنامه‌ریزی برای انواع خواندن برسند. برای همین باید انواعی از قالب‌های مطالعه قرآن را داشته باشند. در این بخش سیزده قالب ذکر شده است.

۱. خواندن قرآن به صورت منظم به منظور ختم قرآن. این ختم می‌تواند بنا به موقعیت‌های مختلف هفتگی یا ماهانه و یا سالانه باشد که بر همین اساس میزان تقسیم‌بندی آیات و سوره‌ها متفاوت خواهد بود.
۲. خواندن سوره‌هایی که به صورت روزانه توصیه شده است. مانند سوره مبارکه ملک و یس در صبح‌ها و سوره‌های واقعه در شب‌ها و یا سوره مبارکه جمعه در شب و روز جمعه و ...
۳. خواندن سوره مبارکه یا آیتی به منظور خاص، از قبیل استجاب دعا پس از خواندن ۱۰۰ آیه و خواندن سوره مبارکه طه برای گره‌گشایی از کارها و ...
۴. خواندن آیات مشخصی به عنوان تعقیبات نمازها یا ذکرهای خاص مانند آیات معروف در تعقیبات نماز صبح.<sup>۱</sup>
۵. خواندن قرآن با تأمل و تفکر و تکرار به صورت سوره‌ای یا آیه‌ای. چنانچه در نماز امام زمان عجل الله فرجه آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» صد مرتبه تکرار می‌شود.
۶. مطالعه آیات و سوره‌ها و تعلیم محتوای آنها به صورت تدریس، مباحثه و مراجعه به منابع. در این راستا روایات متعددی در فضیلت آموزش قرآن وارد شده است.
۷. مراجعه به قرآن به عنوان ارائه سؤالات مورد نظر به صورت ختم کل قرآن با سؤال مشخص و یا مطالعه بخشی از آن. در این حالت فرد با سؤالی مشخص و یا موضوعی از موضوعات مبتلابه خود در زندگی، به مطالعه آیات می‌پردازد. تمرین این نوع مراجعه به ویژه با مرور سریع منجر به انس بیشتر ما با قرآن می‌شود.
۸. نگاه کردن و یا لمس کردن آیات با طهارت برای دریافت معنویت و آرامش بیشتر. این موضوع مورد تأکید برخی از روایات قرار گرفته است.
۹. مراجعه و باز کردن قرآن به صورت اتفاقی برای بهره‌مندی از آیتی در خلال برنامه‌های روزانه.<sup>۲</sup>

۱۰. مطالعه موضوعی قرآن، این مطالعه می‌تواند با موضوعی مشخص در کل قرآن و یا سوره‌هایی خاص باشد. این روش در روایات و ادعیه اهل بیت به وفور دیده می‌شود.
۱۱. استفاده از آیات در دعاها، این روش می‌تواند با بهره‌گیری از ادعیه اهل بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> به دست آید.
۱۲. نوشتن آیات و سوره‌ها یکی دیگر از راه‌های توجه به آنست که با وجود آسیب‌های مختلفی که وجود داشته (به دلیل نبود صنعت چاپ و اینکه نوشتن جهت انتقال بوده و دقت فراوانی را می‌طلبد) مورد تأیید اهل بیت بوده است.
۱۳. مرور سریع قرآن و یا تندخوانی قرآن. در این مرور سعی می‌شود تا قدرت تندخوانی قرآن و در واقع سرعت انتقال مطالب سریع‌تر شود.

بر این اساس مخاطب باید بداند که در قالب‌های مختلفی می‌تواند قرآن را ختم کند.

## درس سوم

# بررسی مفهوم تدبیر در قرآن و معرفی روش‌های آن

معنای تدبیر در قرآن چیست

### معنای تدبیر

تدبیر به معنای «توجه به عاقبت چیزی» است<sup>۱</sup> و از امکان‌ها و نعمت‌های ویژه خداوند به انسان است؛ زیرا با این امکان فرد می‌تواند:

امکان ارزیابی از هر کار و وضعیتی را داشته باشد.

در عاقبت هر کاری اندیشیده،

معیارهای خوش عاقبتی و بدعاقبتی آن را سنجیده،

عاقبت آن کار را شناخته،

آن عاقبت را در معرض توجه خود قرار داده،

و قوای علمی و عملی خود را در راستای آن عاقبت قرار دهد.<sup>۲</sup>

۲. حضرت علامه طباطبایی... تدبیر را اندیشه در اطراف و عواقب کار و یا عاقبت‌اندیشی می‌داند. (تفسیر المیزان، تفسیر سوره انعام و کتاب قرآن در اسلام)

توجه به عاقبت از جهات مختلف مراتب دارد. خود توجه مراتبی دارد که مراتب توجه است. با توجه به مراتب می‌توان انواعی از تدبیر را داشت. مراتب توجه مربوط به ساختار وجودی انسان است.

ورودی ساختار وجودی انسان حواس اوست. حواس انسان بخشی از ساختار وجودی انسان است که از بیرون ورودی دریافت می‌کند. انسان بر اساس دریافت‌هایش تصاویر ذهنی پیدا می‌کند و به تفکر می‌رسد. انسان به واسطه تفکر و تعقل شناخت پیدا می‌کند و به علم می‌رسد. این علم در انسان تبدیل به ایمان می‌شود و یک فعلیتی در او ایجاد می‌شود. دانسته‌ها در انسان درونی می‌شود و این ایمان است و از ایمان یک فعل در انسان ایجاد می‌شود. فعل عملی است که هنوز از انسان صادر نشده است. نیت و اراده و قصد و عزم و برنامه‌ریزی در فعل قرار می‌گیرد و بعد عمل اتفاق می‌افتد. مرکز این چرخه توجه است که

این سیر را مدیریت می‌کند. توجه به یکی از این مراتب باز می‌گردد. حواس انسان مربوط به دریافت انسان از بیرون است و عمل انسان مربوط به خروجی انسان است. به این موارد مراتب توجه گفته می‌شود.

تدبر در مرتبه تفکر می‌شود عاقبت اندیشی.

در مرتبه تعقل می‌شود عاقبت‌سنجی. یعنی عاقبت را با معیارهایی سنجید.

در مرتبه علم تدبر می‌شود عاقبت‌شناسی

در کتاب تدبر چیستی چرایی چگونگی این مطالب به صورت کامل مطرح شده است.

در مرحله ایمان به تدبر می‌گوییم عاقبت‌نگری یعنی این عاقبت آنقدر در من درونی شده است که به آن می‌نگرم و همیشه جلوی چشمان من است و ایمان من شده است.

در مرحله فعل به تدبر عاقبت‌گرایی گفته می‌شود و این خیلی مهم است که بدانیم همه اینها تدبر است.

■ **عاقبت‌اندیشی:** اندیشه در عاقبت موضوعی، اعم از اینکه از شئون انسانی و یا پدیده‌های از هستی و یا ... باشد مرحله‌ای از تدبر است.

■ **عاقبت‌سنجی:** بررسی و سنجش عاقبت موضوعی که با تعقل انجام می‌گیرد و می‌فهماند که چه عاقبتی باید باشد و چه عاقبتی نباید باشد، مرحله دیگر تدبر است.

■ **عاقبت‌شناسی:** وقتی انسان نسبت به عاقبت موضوعی آگاه شود و این آگاهی قابلیت انتقال یابد، با مرحله دیگری از تدبر رویه‌رو می‌شود.

■ **عاقبت‌نگری:** انسان می‌تواند علم خود در مورد عاقبت موضوعی را پذیرفته و در معرض ذکر و یاد خود قرار دهد، در این صورت نیز مرحله کامل‌تری از تدبر را داراست.

■ **عاقبت‌گرایی:** هر گاه توجه و یادآوری عاقبت موضوعی، اراده، همت، عزم و قوای عملی فرد را تحریک کند و موجب گرایش او شود، به آخرین مرحله تدبر در رابطه با آن موضوع دست یافته است.

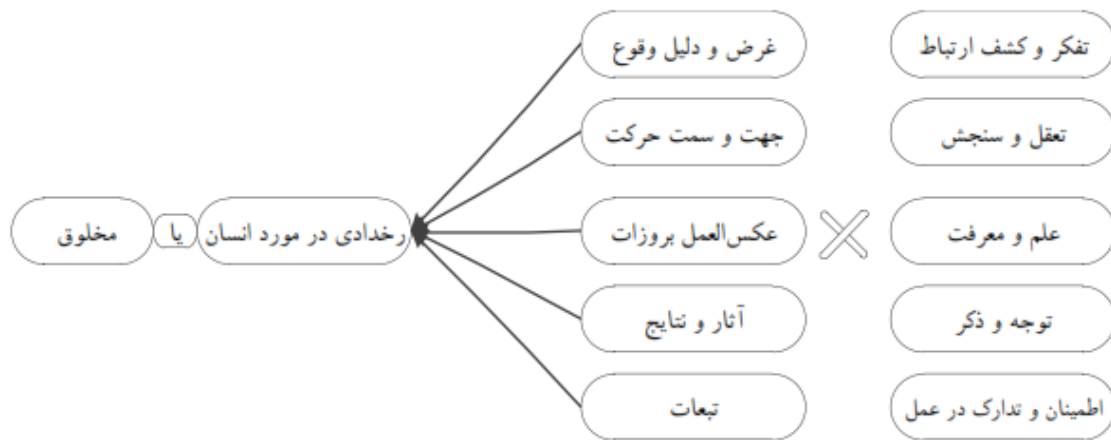
هر کدام از این موارد سطحی از تدبر هستند.

حقیقت زندگی شما در آخرت است و آخر زندگی انسان در این دنیا مرگ است و مرگ به معنای نیستی و پایان نیست. مرگ به معنای ورود به جهان دیگر است. در رابطه با آخرت تجربه‌ای وجود ندارد و این علمی است که قابل تجربه نیست و برای مطالعه در مورد آن باید به متون مختلفی مراجعه کرد. بعد به این مطلب می‌رسید که این عاقبت حقیقتش چگونه است و این را می‌سنجید که این عاقبت چگونه باشد و چگونه نباشد. این اندیشه و سنجش فرد را به سطحی از شناخت می‌رساند و او می‌تواند در رابطه با آخرت و باید‌ها و نبایدهایش به دیگران اطلاع داد و بعد از اینکه به این موضوع عالم شد باید به این علم دائم توجه شود. مرتبه عاقبت‌نگری اینگونه است که دائما آخرت من باید چطور باشد و چطور نباشد جلوی چشم من است.

همش حواسم هست که بالاخره خواهم مرد. این موضوع باید جلوی چشم من باشد و بر این اساس زندگی خود را برای دستیابی به مطلوب برنامه‌ریزی می‌کنم. تدبر در مورد عاقبت امور است.

مراتب عاقبت :

- دلیل و غرض وقوع آن کار که به واسطه آن دلیل، آن کار واقع می‌شود.
- سمت و جهت وقوع کار که ممکن است به سمت موفقیت یا ناکامی باشد
- عکس‌العملی که در اثر بروز آن کار به وقوع می‌پیوندد.
- آثار و نتایج مثبتی که در اثر آن کار به وجود می‌آید.
- تبعات و نتایج منفی که در اثر آن کار پدیدار می‌شود.



نمودار ۲-۳. تفصیلی دیگر در معنای تدبر

تدبر می‌تواند در مخلوق یا رخدادی در مورد انسان یا موضوعی از موضوعات قرآن باشد.

### تدبر در قرآن

با توجه به معنایی که از تدبر ارائه شد، تدبر توجه به عاقبت موضوعی است. در تدبر در قرآن، موضوع تدبر، همان موضوعات

کلمات، آیات و سوره‌های قرآن است.

در کتاب چهار ویژگی اختصاصی برای قرآن مطرح شده است و در ادامه به سوره کوثر از این منظر نگاه شده است:

اولین ویژگی، مربوط به ساختار قرآن است. قرآن از حروف، کلمات، جملات، آیات، عبارات و سوره‌ها تشکیل شده و هر یک در دلالت خود تام و کامل است.<sup>۱</sup>

دومین ویژگی مربوط به شرایط زمانی و مکانی و عناصر نزول آیات است.

سومین ویژگی مربوط به نوع جهان‌بینی برخاسته از کلام پروردگار است.

چهارمین نکته آن است که عاقبتی که در ساختار قرآن به دنبال توجه به آن هستیم، را غرض می‌نامیم. در بررسی مراتب عاقبت گفته شد که غرض نیز از مراتب عاقبت است.

سوره‌های مقدمات تدبر را در فاتحه کتاب اینگونه مطرح می‌شود:

### تقوا و طهارت مقدمه‌ای لازم برای فهم قرآن

طبق آیه شریفه «الایمسه الا المطهرون» برای دستیابی به فهم قرآن، طهارت یافتن اصلی غیرقابل انکار است. همچنین در آیه دوم تا پنجم سوره مبارکه بقره آمده است:

﴿ ذَلِكِ الْكِتَابِ لَارِيبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿ أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴾

آن کتاب [بلند مرتبه] هیچ تردیدی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است. آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه روزیشان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند. و آنان که به آنچه به تو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل شده، ایمان می‌آورند و اینانند که به آخرت یقین دارند. آنان بر هدایتی از پروردگار خویشند و هم ایشان رستگارانند.

برای این افراد متقین پنج ویژگی مطرح می‌شود که به غیب ایمان دارند و باوری که امنیت آفرین است. ایمان یعنی ایجاد امنیت برای خود و دیگران. ایمان یعنی دریافت ایمان از غیب و نه از آشکار. یکسری از سوره‌ها بر اساس تقویت ایمان به غیب انتخاب شده است و برخی بر اساس نماز و برخی از سوره‌ها بر اساس ارتباط با مردم و برخی بر اساس ایمان به سایر کتب.



### در رابطه با ایمان به غیب

- پناه به رب الفلق از شرور بیرونی، با تدبیر در سوره مبارکه فلق
- پناه به رب و ملک و اله ناس از وسوسه‌های شیطانی، با تدبیر در سوره مبارکه ناس
- برخورداری از عناصر غیبی تأثیرگذار مانند استغفار و تسبیح در ساختار انسان و جامعه، با تدبیر در سوره مبارکه نصر

### در رابطه با اقامه نماز و انفاق

- توجه به نماز واقعی که قرین انفاق و توجه به دیگران است، با تدبیر در سوره مبارکه ماعون

### توجه به موانع ارتباط با دیگران

- توجه به نقش محدود کننده روابط در اجتماع، با تدبیر در سوره مبارکه همزه و عبس

### اطمینان به وحی

- اطمینان به انزال رسول و مسیر تعیین شده توسط او، با تدبیر در سوره‌های مبارکه ضحی و انشراح و عبس

### ایمان به آخرت

- توجه به قیامت و داشتن عمل متناسب با آن، با تدبیر در سوره مبارکه زلزال و عبس
- توجه به دو نکته زیر در مورد مطالعه و بررسی سوره‌های فوق الزامی است:
۱. سوره‌های انتخابی سوره‌هایی هستند که فهم آنها کمتر وابسته به کارهای ویژه‌ای یا تفسیری است. لذا افراد به صرف آشنایی اجمالی با مضامین آن، می‌توانند زندگی خود را بر آن اساس تنظیم کنند.
  ۲. عمل به پیام اصلی سوره‌های انتخابی، می‌تواند طهارت فرد را برای تدبیر به وجود آورد. لذا می‌توان آنها را مقدمه‌ای برای تدبیر دانست.

سوره عبس بحث ذکر را مطرح می‌کند و در چند بخش آمده است. سوره‌های کوثر و قارعه جهت توضیحات کلی در فصل دوم و سوم آمده است و جزء این دسته‌بندی نمی‌باشد.

زکات برای پاک شدن است ولی در انفاق قصد حل کردن مشکل و برطرف شدن شکافی است. باید شکاف‌ها را شناخت برای اینکه شکاف‌ها شناخته شود نیاز به ارتباط با دیگران است و موانع این ارتباطات باید حذف شود.

بحث تمرین‌ها در کتاب:

رویکرد مقدمات تدبیر: مراجعه به قران به عنوان رافع نیاز است. در ۱۴ اصلی که در فصل اول ذکر شده است بحث نیاز مهم است.

طهارت: عملیاتی شدن طهارت سوره‌ها با توجه به آیات ابتدایی سوره مبارکه بقره در افراد.

انس: خواندن بدون تکلف قران

برنامه‌ریزی: اگر در مقدمات تدبیر رویکرد درست باشد افراد برای قران خواندن در تمام عمر خود برنامه‌ریزی می‌کنند. نکات مطرح شده در بخش فاتحه کتاب جهت برنامه‌ریزی بسیار مهم است.

غایت علمی: تفکر و تعقل و تدبیر را در گزاره‌ها و در عمل بدانند چیست.

در تمرین حل کردن، فرد باید با نیازش مراجعه کرده باشد و گزاره بنویسد. نیازی نیست که گزاره‌هایش علمایی شود. گزاره‌ها به سمت حرف‌های عملیاتی باشد که من باید چه کنم. در گزاره‌ها باید تمایز تفکری و تعقلی و تدبری بودن آنها را بفهمند.

نوع برداشت‌ها از قرآن باید نشانه نیازمندی‌شان باشد و این رویکرد باید در افراد مطرح باشد. مقدمات تدبر را کسی می‌خواند که با آن به برنامه‌ریزی می‌رسد. ارزیابی را باید روی این موضوع برد و غایت هر درسی را در سیر رشد افراد باید دید. ایمان به غیب را مثلاً باید در گزاره‌های افراد دید.

کاری که پشتیبان می‌تواند انجام دهد ایجاد انگیزه کند. در قرآن بیشتر آموزش به عهده خود مخاطب است و یک مخاطب یا شاگرد خوب با یک معلم سطح پایین هم رشد خوبی خواهد داشت.

معلم در قرآن نقش واسطه را دارد و شأنیت مستقلی ندارد. معلم باید این واسطه‌گری را خوب بلد باشد و از سویی شاگرد باید بخواهد تا بیاموزد.

وقتی می‌خواهید به مخاطب مصداق بگویید از خود قرآن بگویید بقیه مصادیق را خود مخاطب باید متوجه آن شود. و بهتر است خود فرد فکر کند و مصداق به ذهنش بیاید. برای ارزیابی لازم‌آش این است که این رویکرد نیاز در فرد وجود دارد یا خیر و فرد به برنامه‌ریزی رسیده است یا خیر و اینکه هر سوره متناسب با غایتی که برای آن در نظر گرفته شده است در فرد پیاده شده است یا خیر.

چند نکته :

✓ درست و غلط این تصاویر خیلی مهم نیست. مهم این است که فرد تصویرسازی را انجام دهد. بهترین منبع برای مثال مطالعه کتاب التحقیق است و مثال‌های زیادی در آن وجود دارد. فقط اگر خیلی پرت بود تذکر بدهید. در غیر اینصورت خیلی در مورد صحت آن سختگیری لازم نیست.

✓ تصویرسازی برای کسی که قرآن را با رویکرد مقدمات تدبر بخواند آسان می‌شود. در واقع با این تصویرسازی باید یک گام به رفع نیازش برسد. هر چقدر به سمت عملی برود درست می‌شود و هر چقدر به سمت تئوری برود اشتباه است. هر تصویری که در صحت آن مردد هستید را درست فرض کنید مگر اینکه خیلی تصویر اشتباهی باشد.

✓ سوالات بخش نزدیک شدن به غرض سوره برای آوردن آنها در زندگی و تفکر بر روی آنهاست نه لزوماً در مورد حل کردن و نوشتن پاسخ‌ها باشد. پاسخ به این سؤال‌ها درد دلی است نه علمی. افراد باید در زندگی پاسخ آنها را ببینند.

✓ در مقدمات تدبر صحت و سقم مطالب خیلی مهم نیست آنچه اهمیت دارد رویکرد و برنامه‌ریزی آنهاست.

- ✓ مدل سؤال‌های تدبیر برای پاسخ دادن نیست بلکه برای درگیر شدن برای ورود آنها به زندگی است. خود را درگیر تصحیح سوالات نکنید.
- ✓ اگر سوالی طرح شد که فهمیدید بدون توجه به رویکرد است توصیه‌هایی برای اصلاح فرد در ایجاد رویکرد درست داشته باشید. نیاز است برنامه‌ای برای جا انداختن رویکرد در هر کتاب وجود داشته باشد. و این خیلی ضروری است.
- ✓ از نشانه‌های اینکه آیا رویکرد مقدمات تدبیر در شما شکل گرفته است یا خیر این است که از هیچکدام از سوره‌ها خسته نمی‌شوید. سوره فلق تمامی ندارد و هر بار جدید است و این رویکرد درستی است در مقدمات. اشتیاق به ماندن در سوره و خسته کننده نبودن آن.
- ✓ نیازی نیست حد وسط‌های همه گزاره‌های موجود در کتاب را توضیح دهید. کم برای افراد یکسری مطالب بدیهی می‌شود. در گزاره‌نویسی فرد باید گزاره بدیهی بنویسد نه گزاره حدسی. کسی گزاره غیر بدیهی ننویسد. نباید سعی کند گزاره‌هایش شبیه گزاره‌های کتاب شود. باید به گزاره‌ای که می‌نویسد مطمئن باشد. اگر بیشتر از این نتوانست اشکالی ندارد، با عمل به آن گزاره‌ها می‌تواند گزاره‌های بیشتری نوشت.
- ✓ اگر کسی خیلی به شما گیر داد که جواب این جمع بندی چیست این خوب است ولی بهتر است فقط برای رسیدن به پاسخ او را کمک کنید.
- ✓ شرایط مباحثه این است که شما نباید جواب سؤال بدهید بیشتر اصلاح رویکرد و ایجاد سوال‌های حقیقی برای فرد است.
- ✓ از ویژگی‌های پشتیبان شدن این است که فرد را برای معلم شدن آماده می‌کند.
- ✓ اگر طهارت هر سطح محقق نشد، توقف ندارد ولی باید تلاش کرد در هر دوره طهارت مورد نیاز هر دوره ایجاد شود.
- ✓ سوره یک غایت طهارت جزئی دارد و یک غایت طهارتی کلی دارد. که رسیدن به آنها مهم است.
- ✓ تدبیر بیشتر به سمت عمل است. در درس سوم سیر تدبیر گفته شد. برای جاری شدن آن لازم است آنقدر آیات برای فرد جدی شود که بر اساس آن شروع به برنامه‌ریزی کند. در تفکر می‌خواهد فهم کند و در تعقل می‌خواهد رجوع کند و تدبیر یعنی جوری می‌خوانم که بفهمم چگونه با آن زندگی کنم. بدنبال تطبیق زندگی با قران است.
- ✓ در دوره مقدمات غایت علمی این است که با سوره باید انس داشت و در مورد سوره تفکر کند و در موردش با دیگران حرف بزند. تدبیر در سوره باید نمود داشته باشد و بعد از خواندن سوره همزه دیگر فرد نمی‌تواند در مورد کسی قضاوت کند.
- ✓ اصل در تفکر و تعقل و تدبیر خروجی است. ممکن است گزاره‌های تفکری و تعقلی شبیه هم باشد ولی آنچه مهم است نوع استفاده از این گزاره‌هاست. گزاره‌ای برای معیار عمل نوشته شده است. حال هر گزاره‌ای که از قران

نوشته شود چون محصول تفکر شماست به آن گزاره تفکری گویند. حتما همه گزاره‌های درست تفکری هستند. گزاره‌های تعقلی در واقع گزاره‌های تفکری هستند که می‌توان آنها را به عنوان قانون و معیار در زندگی مورد توجه قرار داد. جنبه معیار بودن و کلیت آنها مهم است. گزاره‌های تدبری آن دسته از گزاره‌هایی هستند که غرض کلی سوره در آن لحاظ شده است. توجه به غرض در گزاره وجود دارد و گزاره‌های طهارتی گزاره‌های باید و نبایندی هستند. گزاره تدبری که جزیی شود می‌شود گزاره طهارتی.

✓ مهم است که فرد تمایزی در ذهن نسبت به این مطالب داشته باشد. مهم است که فرد تصویر درستی داشته باشد از گزاره‌ها و تقسیم بندی آنها.

✓ برای تسلط بر روی مباحث کتاب نیاز به عمل داریم.

✓ فلق اینگونه است که حواستان را به اطرافتان زیاد کنید. و فلق یعنی اینکه مراقب باشید و ببینید. تمام اتفاقات مرحله مرحله می‌افتد و شما همه جا فلق خواهید دید. نیاز به ایمان غیب دارد. ولی باید مراقب بود ککک به توهم نیفتد.

✓ پناه بردن به رب فلق اینگونه است که احساس من این است که من انسان نشانه شناسی هستم و باورم این است که شناخت از نشانه‌ها مرا در امان نگه نمی‌دارد بلکه باوردارم که خدای این نشانه‌ها مرا در پناه قرار می‌دهد. به نشانه‌ها توجه دارم ولی امیدم به رب نشانه‌هاست.

✓ برنامه‌ریزی برای مطالعه سوره‌ها و مرور آنها مهم است.

✓ در مقدمات گفته می‌شود که شما برای قرآن خواندن نیاز به برنامه دارید و هر فردی باید برای خودش بگذارد. کسی که احساس نیاز دارد باید این برنامه‌ریزی را داشته باشد.

✓ ثبت کردن خیلی مهم است. چند واژه بلد هستید چند سوره را تدبری خوانده‌اید.

✓ ارزیابی در تدبر به عهده خود فرد است نه پشتیبان. باید هر کسی خودارزیابی داشته باشد.

✓ با سوره باید دوست شد و سوره از وضعیت متنی خارج شود و شکل یک امام را به خود بگیرد. فرضا امام صادق پیش شما هستند و صحبت‌هایی برای شما شده است و باید آنها را رها نکرد.

✓ دریافت‌های خود را از سوره یادداشت کنید. به عنوان دست‌نویس بنویسید.

✓ با پشتیبان بودن خیلی بهتر برای معلم شدن آماده می‌شوید و نیازهای شما با پشتیبان شدن و معلم شدن بیشتر فعال می‌شود. کسی معلم قرآن نیست و ما واسطه هستیم فقط همین.

✓ همه این موارد با انجام و اقدام محقق می‌شود. بدون عمل فهم ارتقاء پیدا نمی‌کند. تا کسی کاری نکند این چرخه ساختار وجودی به حرکت در نمی‌آید.

✓ قرآن رشد دهنده است و سایر کتب مثل خیرگزینی و ... کتاب‌هایی هستند که این رشد را تبدیل به علم قابل انتقال می‌کنند. کافی است هر آنچه از قرآن فهمیدیم را عمل کنیم.